

## اولین بار چه کسانی قرآن را نوشتند؟

از سایت ویکی شیعه: **کتابت قرآن** به جمع‌آوری و نگارش آن به مرور زمان که افراد و گروه‌های مختلف از **صحابه** و **تابعین** آن را انجام داده‌اند. نظم و ترتیب عدد **آیات** در هر **سوره** در زمان حیات **پیامبر (ص)** و با دستور ایشان انجام شده است. درباره نظم و ترتیب سوره‌ها، برخی قائلند این نظم در زمان حیات پیامبر (ص) ایجاد شده است اما برخی دیگر معتقدند علی (ع) و سپس زیدبن‌ثابت، جمع و ترتیب سوره‌ها را برای نخستین بار بعد از وفات پیامبر (ص) انجام دادند. علی (ع) قرآنی را جمع‌آوری کرد اما مردم آن را نپذیرفتند و دیگر کسی آن قرآن را ننوشت. پس از آن هر کدام از صحابه از جمله **ابی بن کعب**، **سعد بن معاذ** و دیگرانی به جمع‌آوری قرآن پرداختند. بعدها این تعدد و اختلاف نسخه، باعث اختلاف میان مردم شد که در زمان **خلافت عثمان** او تصمیم بر یکسان‌سازی صحیفه‌های صحابه گرفت. عثمان گروهی را برای جمع‌آوری قرآن واحدی تشکیل داد. علی (ع) نیز با یکسان‌سازی عثمان موافق بود. **نگارش ابتدایی قرآن با خطی بود که هیچ علامت و نقطه‌ای نداشت** و این باعث اختلاف **قرائت** شد که بعدها نقطه و اعراب‌گذاری را نصر بن عاصم و **ابوالاسود دثلی** انجام دادند. به مرور زمان طراحی قرآن تغییر کرد و هنرهای همچون خطاطی، تذهیب بر آن تاثیر گذاشت.

قرآن مجید در زمانی که نازل شد با چه خطی نوشته شد؟ (قسمتی از مقاله) ارسال شده توسط شهر سوال در ۲۹/۲/۱۳۹۲ - ۲:۳۸

در زمان نزول قرآن عربها با دو نوع خط آشنایی داشتند یکی **خط نسخ** و دیگری **خط کوفی** بود. معمولاً از خط نسخ در زمان پیامبر (ص) برای نامه نگاری و یادداشتهای عادی و گاهی برای نگارش قرآن استفاده می‌شد.....  
می‌گویند خط نسخ پس از خط کوفی در نگارش قرآن معمول گردید. یعنی قرآن تا اواخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم {قمری} به خط کوفی نوشته می‌شد. و سپس نگارش قرآن با خط نسخ و انواع خطوط مشتق از آن معمول شد.  
و شاید از آن جهت که خط نسخ در این قرن، خط کوفی را در نگارش قرآن و جز آن منسوخ ساخت به خط نسخ نامیده شد./

پس خطی که اولین بار برای نوشتن قرآن استفاده شده **خط کوفی بوده که نقطه و اعراب نداشت و بر روی پوست و استخوان کتف شتر و پوست و چوب و برگ درختان نوشته شده**، و بشرح فوق‌الذکر نیز جمع‌آوری شده!، پس موضوع چیست؟، چرا و چگونه قرآن به شکل کنونی درآمده است؟.

**جواب از نظر بنده:** اگر به نظریه علمی «Big Bang» یا انفجار بزرگ انرژی در ۱۳/۷ میلیارد سال قبل و به وجود آمدن ماده و بیش از دویست میلیارد کهکشان و هر کدام با بیش از دویست میلیارد ستاره توجه کنیم، و قبول کنیم که به گفته دانشمندان: زمین حدود ۴/۵ میلیارد سال قبل؛ ابتدا از ذرات خورشیدی و سپس اضافه شدن قطعاتی از سنگها یا مواد مذاب به صورت شهاب از سایر ستارگان (با ۱۱۸ عنصر) پدید آمده!، که همه انواع مواد معدنی موجود در بدن ما را دارد! (برخلاف سایر ستاره‌گان و سیارات که فقط از یک یا چند عنصر محدود تشکیل شده‌اند) پس ناچاریم بپذیریم که خداوند زمین را انحصاراً برای خلق نمودن موجود زنده و در نهایت خلق نمودن نماینده خود «آدم» در روی زمین به وجود آورده است (ولی چند زمین؟ در کتاب قرآن بزرگ خواهید دید ۷ زمین وجود دارد!) علی‌رغم اینکه همه مردم را ظاهراً آزاد گذاشته تا برای نحوه زندگی خود تصمیم بگیرند! بعضی‌ها را با داده‌های اولیه بر روحشان! یا وحی نمودن چیزی!، برای انجام کاری یا رسالتی خاص! مأمور نموده است. لذا در آیه ۴۲ اعراف فرموده: **ما بر هیچ‌کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم!** / (پس تمام مردم مکلف به انجام کاری هستند!) آمدن پیغمبران را در تاریخ خوانده و کتاب بعضی را نیز دیدیم!، و می‌دانیم گروهی از **راسخان در علم را مأمور کشف**

قوانین علمی، و گروهی را مأمور اختراع دستگاههای مختلف!، و گروهی را هم برای رفع نیازهای روزانه مردم مسئول و مأمور فرموده، پس قطعاً تعدادی از راسخان را هم مأمور ثبت و ضبط کلمات «محکم» قرآن طبق خواسته خود نموده، لذا قرآن توسط نمایندگان خدا به شکل کنونی درآمده و بفرموده آیاتی محکّمات قرآن دیگر تغییر نمی‌کنند! و چون در کتب آسمانی مخصوصاً در تورات گفته شده در آخرت فرستاده ای شبیه ایلای نبی خواهد آمد و در انجیل یوحنا روح القدس روح حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) از درون جانش در آیه ۱۸ فصل ۱۴ فرموده: شما را یتیم نمی‌گذارم نزد شما می‌آیم! و همچنین در سوره بینه! خیلی روشن و شفاف فرموده اهل کتاب و مشرکان و کافران به آیات قرآن ایمان نمی‌آورند تا فرستاده‌ای برای تأویل نمودن متشابهات قرآن بیاید!، پس طبق هم‌این روش و سنت قدیم که تا کنون دیدیم باید فرستاده موعود بیاید و متشابهات قرآن را تأویل نماید! تا طبق فرموده آیه ۵ سوره قمر: قرآن حکمت بالغه است. قرآن بالغ و حقایق پنهان آیات قرآن آشکار بشوند!.

ولی متأسفانه با عدم توجه به مفهوم آیه ۷ سوره آل عمران و آیات سوره بینه!، تا کنون تمام آیات قرآن را حامل پیامی در حد محکّمات قرآن و مبتنی بر احادیث راست یا دروغ برجا مانده از دورانهای گذشته دانسته‌اند! و فکر نکرده‌اند قرآن مال تمام اعصار است! و آیاتش باید براساس مکشوفات «راسخان در علم» تأویل بشوند تا در هر زمان برای خواننده پیام جدیدی داشته باشند! ولی با تأویل بنده می‌بینیم آیاتی از قرآن مربوط به حضرت محمد (ص) و آن زمان و آیاتی نیز مربوط به امروز و فرستاده موعود می‌باشند! مثلاً آیات ذیل:

(۷۵) سوره قیامت (۱۶): لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتُفْجَلَ بِهِ ﴿۱۶﴾: ای محمد هنگامی که آیات قرآن بر تو وحی می‌شود، جهت فراموش نکردن آیات {زیانت را برای {تکرار دوباره آنها} با عجله حرکت مده {چون قطعاً فراموش نخواهی کرد} (۱۶)

(۷۵) سوره قیامت (۱۷): إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿۱۷﴾: چرا که جمع کردن و خواندن آن برعهده ماست! (۱۷)

(۷۵) سوره قیامت (۱۸): فَإِذَا قَرَأْتَ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿۱۸﴾: پس هر گاه آن را (توسط جبرئیل بر تو) خواندیم از خواندن آن پیروی کن {وظیفه تو ابلاغ محکّمات قرآن است و قطعاً: فراموش نخواهی کرد. سپس تأویل کردنش باماست} (۱۸)

(۷۵) سوره قیامت (۱۹): ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿۱۹﴾: آری در آیات سوره بینه گفته‌ایم: کافران و اهل کتاب به آن ایمان نمی‌آورند! سپس {فرستادن پیامبر موعود! برای} بیان و توضیح {و تأویل متشابهات آیات} آن نیز بر عهده ماست (۱۹)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۵): حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّدْرُ ﴿۵﴾: {کافران ندانستند که آیات قرآن} حکمت بالغه است، و {همه بر اساس علم گفته شده‌اند و چون هنوز مردم آگاهی لازم را ندارند، لذا} هشدارها {فعالاً} سودی نبخشیده است! (۵)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۶: فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نَّكَرٍ ﴿٦﴾: پس ای محمد، فعلاً! از آنان روی برتاب (تا) روزی که آن دعوتگر موعود در سوره بینه، آنها را { به چیزی غریب و ناشناخته {قرآن بزرگ} دعوت کند (۶)

(۵۴) سوره قمر (آیه ۷: حُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾: تصور کن آن روزی را که کافران { در حالی که دیدگانشان را {از شرم} فروداشته‌اند، چون ملخهای پراکنده، از گورها بیرون آیند! (۷)

(۱۵) سوره الحجر (آیه ۹: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾: بی تردید ما این ذکر {=کتاب قرآن بزرگ} را {در کودکی حکم دادیم (مریم: ۱۲)} و شب قدر بر لوح محفوظ نازل کردیم (سوره قدر) و در گذشته قسمتهایی از آن را بر ارواح پیامبران بسیار (به شرح حکایت‌های قرآن و تاریخ) وحی نمودیم و محکمت آن کتاب را در ۲۳ سال توسط جبرئیل بر محمد و تأویل کردن تشابهات را بر تو { نازل کرده‌ایم و قطعاً {توسط روح القدس} نگهبان آن خواهیم بود {تا کامل شود} (۹)

(۱۶) نحل (آیه ۱۰۲: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾: ای فرستاده موعود ما { بگو: روح القدس { همان روح بزرگ خدا یا لوح محفوظ است که قرآن بزرگ در شب قدر بر او نازل شده؛ و او در زمانهای مختلف: قسمتهای متناسبی از { آن را از جانب ربّ بحق {بر برخی از پیامبران (مانند عیسی مسیح) که خودش روح آنان بوده؛ از درون جانشان شخصاً وحی فرموده!، و بر پیامبران دیگر (مانند محمد) که روحشان روح الامین بوده توسط جبرئیل { نازل کرده، تا افراد با ایمان را ثابت قدم گرداند، و {پس از تأویل و تفسیر شدن تشابهات قرآن توسط فرستاده موعود سوره بینه که روحش روح القدس، همان روح عیسی مسیح است و اکنون پس از سالها به شکل «بهنام بهنام» آمده تا کتابش «قرآن بزرگ» با دلایل علمی { هدایت و بشارتی باشد برای عموم مسلمانان {جهان}. (۱۰۲)

لطفاً در مورد عرایض خوب بیانید!، این وهم و خیال نیست، بلکه بر اساس وحی خداوند چنین روان و سلیس بیان شده!، باور کنید قرآن کتاب بی نظیری است!، و امروز که بنده به‌عنوان فرستاده موعود تشابهات قرآن را تأویل نموده‌ام، واقعاً آدم از دیدن مطالب شگفت‌انگیزش تعجب می‌کند!

فرستاده و بنده خدا: بهنام